

بررسی میزان کارایی نظریه انسجام هالیدی و حسن در ترسیم انسجام متنی دعای صباح

پریسا کاظمی^۱
جواد رنجبر^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۶

چکیده

یکی از مباحث زبان‌شناسی نقش‌گرا، نظریه انسجام متنی است که علت اصلی معنا دار بودن و متنیت هر متن را انسجام و یکپارچگی آن می‌داند. این نظریه عواملی که عناصر به وجود آورنده متن را به هم مرتبط می‌سازد و سبب انسجام و پیوستگی آن می‌شود را تحلیل می‌کند. الگوی این نظریه را مایکل هلیدی ورقیه حسن در سال (۱۹۷۶) ارائه دادند. آنها عناصر انسجام متنی را به سه دسته؛ عنصر واژگانی، عنصر دستوری و عنصر پیوندی تقسیم کردند. هریک از این عناصر خود به چند گروه تقسیم می‌شوند که وجود آنها در یک متن، آن را منسجم و عناصر تشکیل دهنده آن را به هم مرتبط می‌کند. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با هدف تحلیل عناصر انسجام متنی در دعای صباح امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و تبیین ویژگی‌های منحصر به فرد هم‌آیی این دعای شریف، سعی دارد به این دو پرسش پاسخ دهد که عوامل انسجام متنی در دعای صباح کدام است؟ و کدام یک از عوامل انسجام از بسامد بالایی برخوردار است؟ عناصر آفریننده انسجام متنی در دعای صباح به سه دسته تقسیم می‌شود: عامل واژگانی در این دعا شامل تکرار، شمول معنایی و باهم‌آیی است که هریک چندین زیرمجموعه را دربرمی‌گیرد. عامل دستوری به سه صورت ارجاع، حذف و جایگزینی در انسجام متنی دعا مؤثر واقع شده است. نیز عامل پیوندی که شامل انسجام پیوندی تشریحی، پیوندی افزایشی و پیوندی گسترشی (ارتباط اضافی، سببی، تقابلی و زمانی) است، در پیوستگی و انسجام دعا نقش دارد. یافته

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (pkazemi@pnu.ac.ir).

۲. استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران j.ranjbar@pnu.ac.ir

های پژوهش نشان می دهد که عامل دستوری و عامل پیوندی در پیوستگی و انسجام این دعا نقش اساسی دارد. در بین این عوامل به ترتیب عنصر دستوری - پیوندی ۸۱/۰ و عنصر واژگانی ۱۹/۰ در متن دعا به کار رفته است. بسامد بالای انسجام دستوری و پیوندی به ویژه ارتباط اضافی در سراسر دعا مشهود است. رابطه اضافی مانند زنجیره ای فرازهای دعا را به هم متصل می کند به گونه ای که این عنصر بیشترین تأثیر را در انسجام متنی دعا بر عهده دارد.

واژگان کلیدی: دعای صباح، نظریه انسجام، انسجام دستوری، انسجام پیوندی.

۱. مقدمه

زبان شناسی متن یکی از شاخه های نسبتاً جدید زبان شناسی است. مطالعه ویژگی های متن از جمله آنچه باعث می شود تا نوشته ای، متن قلمداد گردد، در حوزه زبان شناسی متن قرار می گیرد. این شاخه جدید به دنبال این است که متن چیست و چگونه به وجود می آید؟ و وظیفه آن، بررسی آن دسته از قواعد زبانی است که عوامل زبانی فراتر از مرز جمله و عبارت را شامل می شود. در آن واحدهای زبانی در سطح متن تحلیل می شوند. یکی از جنبه های تحلیل کلام، مطالعه و بررسی چگونگی شکل گیری متن و چگونگی ایجاد رابطه بین اجزا و عناصر آن است که از آن به عنوان انسجام نام می برند. انسجام یک رویکرد معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره دارد و آن را به عنوان یک متن از غیر متن متمایز می نماید. در این نظریه، ارتباط معنایی، دستوری، لفظی و منطقی موجب شکل گیری انسجام در متن گشته و انسجام متن، به زیرمقوله های کلان دستوری، واژگانی و پیوندی طبقه بندی می شود. انسجام دستوری، شامل عواملی همچون ارجاع، جانشینی و حذف است؛ در حالی که دوزیرمقوله کلان بازایی و باهم آیی، شکل دهنده انسجام واژگانی هستند. هریک از مؤلفه های انسجام دستوری غیر ساختاری، یعنی ارجاع، حذف، جانشینی و ربط، در کنار دیگر عوامل انسجام به پیوستگی و یکپارچگی متن می انجامد. مایکل هلیدی و رقیه حسن به عنوان مبدعان نظریه انسجام، اهمیت تعادل ترجمه ای در سطح واحدهای واژگانی - دستوری را مهم ترین دغدغه مترجم می دانند.^۱ آشکار است که چنین تعادل ترجمه ای تنها به انتقال واحدهای دستوری دو متن محدود نخواهد شد، بلکه علاوه بر آن باید این برابری در عوامل انسجام بخش میان واحدهای دستوری نیز رعایت شود. حضور هریک از این

1. Cohesion in English, 5

مؤلفه‌ها در کنار دیگر عوامل ساختاری متن، موجب پیوستگی و یکپارچگی متن گردیده و در نهایت به متن‌بودگی آن می‌انجامد. برخی از محققان انسجام را وسیله‌ای در جهت تداوم صوری متن معرفی می‌کنند و انسجام را به ساختار ظاهری و سطحی متن مرتبط می‌دانند. بنابراین آنچه انسجام یک اثر ادبی و ساختار آن را ایجاد می‌کند، ارتباط معنایی، لفظی، نحوی و مانند اینها میان اجزای تشکیل دهنده متن است. عناصر انسجام متنی و روابط جمله‌ای از نظر هلیدی و رقیه حسن به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف) واژگانی: این عامل شامل تکرار، باهم‌آیی و حوزه‌های معنایی است.

ب) عوامل دستوری: شامل ارجاع جایگزینی و حذف است.

ج) عوامل پیوندی: شامل حروف ربط است.

بررسی این عناصر در هر زبان و هر متنی امکان‌پذیر است. چون به وسیله آن ارتباط بین عبارات و واژگان بین دو متن بررسی می‌شود. به دلیل تناسب میان اجزا و مؤلفه‌های معنایی مشترک در ادعیه بالاخص دعای صباح، متنی منسجم و منظم تشکیل داده اند. از آنجا که موارد مهم در متنیت این متون و در نتیجه فهم معنای آن، مبحث انسجام است، می‌توان آن را براساس الگوی انسجام هلیدی و حسن مورد بررسی قرار داد. مقاله حاضر نیز این عوامل را در دعای صباح مورد بررسی قرار می‌دهد. متون دینی با توجه به جایگاهی که در فرهنگ ما دارند، از دیرباز مورد توجه محققان و پژوهش‌گران قرار گرفته‌اند. از این میان، نظریه فصاحت و شیوایی بیان امام علی (ع) در دعای صباح، ارزیابی مؤلفه‌های زبانی جدید در چنین اثری به هدف نمایاندن لایه‌های زبانی پنهان در آن می‌تواند ارزش دوچندان آن را در برابر دیدگان مخاطب پررنگ‌تر نماید.

پرسش‌های پژوهش

اساساً این پژوهش مبتنی بر پاسخ به دو سوال زیر است:

۱. عناصر و ابزارهای آفریننده انسجام متنی در دعای صباح کدامند؟
۲. کدام یک از عوامل انسجام متنی در دعای صباح از بسامد بیشتری برخوردار است؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

براساس مطالعات و بررسی‌هایی که نویسندگان این جستار انجام داده‌اند، پژوهش‌های متعددی که هر کدام از منظری به موضوع «نظریه انسجام متن» نگریسته‌اند به رشته تحریر

درآمده است، اما پژوهشی مستقلی که محور اصلی آن «بررسی میزان کارایی نظریه انسجام هالیدی و حسن در ترسیم انسجام متنی دعای صباح» باشد یافت نشد. لذا آنچه این نوشتار را پژوهش‌های پیشین متمایز می‌کند، تحلیل زبانی و تبیین ویژگی‌های متن این دعا و واکاوی متنیّت آن با کمک نظریه انسجام می‌باشد.

برخی از پژوهش‌های مرتبط با موضوع که نگارندگان این نوشتار به فراخور نیاز از آنها استفاده کرده‌اند به شرح ذیل است:

۱. مقاله‌ی «کارایی نظریه هالیدی و حسن در ترسیم انسجام متنی سوره مزمل» اثر ابراهیمی و رضایی (۱۳۹۹)؛ در این پژوهش با استفاده از روشی توصیفی - تحلیلی به بررسی کمی انسجام و پیوستگی متن براساس الگوی مایکل هالیدی و نظریه مکمل رقیه حسن با عنوان هماهنگی انسجام در سوره مبارک «مزمل» پرداخته شده است. از نتایج این پژوهش استنباط می‌شود که در این سوره انواع عوامل انسجامی در هر سه سطح وجود دارد: «انسجام واژگانی» که شامل انواع تکرار (لفظی، معنایی، ساختار ترکیبی و آوایی) و انواع با هم آیی (مراعات نظیر، تضاد) است؛ «انسجام دستوری» که شامل انواع ارجاع، جایگزینی و حذف است؛ «انسجام پیوندی» که همان حروف ربط هستند.

۲. مقاله‌ی «انسجام پیوندی و جلوه‌های زیبایی آن در مقامه «ساویه» حریری براساس نظریه هالیدی و حسن»؛ اثر پیرانی شال و همکاران (۱۳۹۷)؛ که در آن نویسندگان مقاله با استفاده از روشی توصیفی - تحلیلی به عنصر انسجام پیوندی با زیرشاخه‌های اضافی، سببی، تقابلی و زمانی، جنبه‌های زیبایی‌شناسی و انسجام معنایی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در این مقامه عنصر انسجام پیوندی نقشی به مراتب نقشی مهم‌تر از عناصر واژگانی و دستوری ایفا کرده است. این عنصر علاوه بر ایجاد پیوستگی متن، باعث توازن نحوی و وحدت آوایی جمله‌ها شده و علاوه بر جنبه‌های زیبایی‌شناختی موجب افزایش قدرت معنایی متن گردیده است.

۳. مقاله «ارزیابی مقایسه‌ای انسجام در سوره علق و ترجمه آن از حداد عادل براساس نظریه هالیدی و حسن»؛ نوشته‌ی امرایی و همکاران (۱۳۹۶)؛ در این مقاله با استفاده از روشی توصیفی - تحلیلی ضمن بررسی مقایسه‌ای متن مبدأ و مقصد، عوامل انسجام و میزان این انسجام در متن سوره علق و ترجمه آن مشخص شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عامل انسجامی تکرار در متن سوره و ترجمه پس از عامل واژگانی و نیز

جانشینی و حذف بالاترین بسامد را داراست.

- مقاله‌ی «ارزیابی مقایسه‌ای انسجام در سوره طارق و ترجمه آن از مهدی فولادوند از دیدگاه هالیدی و حسن»؛ نوشته وکیلی و امرایی (۱۳۹۶)؛ در این مقاله که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است، عوامل انسجام و هماهنگی انسجامی در سوره طارق به صورت گزینشی و استقرائی تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در این سوره علی‌رغم وجود تفاوت‌هایی در نسبت عناصر واژگانی - دستوری متون مبدأ و مقصد هر دو منسجم بوده و تمامی عوامل و ابزارهای اتحاد و انسجام واژگانی و دستوری با تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در متن حضور دارند و بسامد تعامل واژگانی الفاظ در سوره بیشتر از ترجمه منتخب آن است.

- مقاله «بررسی تطبیقی عناصر انسجام متنی در سوره مبارکه الناس و ترجمه فارسی آن بر پایه نظریه انسجام متن هالیدی و حسن»؛ نوشته اورکی و ویسی (۱۳۹۵)؛ این مقاله، عناصر انسجام متن سوره ناس در مقایسه با ترجمه فارسی آن از مهدی الهی قمشه‌ای بر اساس مبانی چارچوب نظری پژوهش را با روش توصیفی - تحلیلی و آماری مورد بررسی قرار داده است. با تحلیل آنها در چارچوب نظری تحقیق یافته‌هایی حاصل شد؛ از جمله این که ضمن وجود تفاوت‌ها و شباهت‌ها در کاربرست عوامل دستوری و واژگانی، هر دو متن سوره ناس و ترجمه فارسی آن، از انسجام بالایی برخوردارند، و دیگر این که بیشترین عناصر انسجامی در این سوره و ترجمه آن را، عناصر واژگانی تشکیل می‌دهند.

- مقاله «لایه‌های سبک‌شناسی شرح دعای صباح آقانعفی قوچانی از بلاوی و غفوری‌فر (۱۳۹۵)؛ در این پژوهش، عناصر سبکی شرح دعای صباح آقانعفی در سه سطح زبانی (آوایی، واژگانی و نحوی)، ادبی (صنایع بدیعی و بیانی) و فکری و میزان انسجام این سطوح با همدیگر به روشی توصیفی - تحلیلی تجزیه و تحلیل شده است تا به واسطه‌ی این عوامل، شناخت هر چه بهتر و دقیق‌تری از این شرح به دست آمده و زیبایی‌ها و ارزش‌های ادبی آن تبیین گردد.

- مقاله «بینامتنیت قرآن در گنجینه دعای صباح» از مهدی‌زاده و دیگران (۱۳۹۳)؛ نویسندگان با استفاده از روشی توصیفی - تحلیلی مضامین مطرح شده در دعای صباح از روزه نظریه بینامتنیت آیات و واژگان قرآن را بررسی نموده و مصادیق روابط بینامتنی بین دعا را مورد کاوش قرار داده‌اند. این مقاله در همایش ملی بینامتنیت (التناس) منتشر گردیده

است. یافته‌های این جستار بیان می‌کند که سیاق بلاغی دعای صبح دارای وحدت اسلوبی با نهج البلاغه و سایر ادعیه و روایات منسوب به حضرت علی (ع) است و این وحدت سبک می‌تواند سند محکمی باشد بر انتساب این دعا به حضرت امیر (ع).

۲. ادبیات نظری پژوهش

۲-۱. نظریه انسجام متنی

در نظر هلیدی و حسن انسجام متن شامل کلیه روابط معنایی است که به توسط آن هر بخش از گفتار یا نوشتار می‌تواند به عنوان متن ایفای نقش کند. از این رو انسجام به کلیه روابطی اطلاق می‌شود که عناصری از یک جمله را به عناصر جملات دیگر مرتبط می‌کند.^۱ در این نظریه معنا به خودی خود امکان بروز ندارد و به شکل خام در قالب اصوات زبان ریخته نمی‌شود و برای اینکه توده صدای زبان را به صورت مادی و قابل درک درآورد، باید سامان دهی شود و به صورت ساختار درآید. این کار در لایه واژگی - دستوری زبان صورت می‌گیرد که فرم یا صورت زبان را می‌سازد. چگونگی بازنمایی و تحقق معنا در صورت زبان، در گرو محدودیت نهاد زبان و ویژگی‌های زنجیره‌ای زبان است. معنا به عنوان یک پیوستار فضایی برای بازنمایی در زنجیره کلام به واحدهایی برش می‌خورد که روابطی میان این واحدها برقرار است و مبنای چنین طرحی، سازمان‌بندی معنا و انسجام سخن در دو سطح دستوری و واژگانی محقق می‌گردد.^۲

هلیدی و حسن روابط بین جمله‌ای متن را انسجام متنی نامیده و آن را به این صورت تعریف کرده‌اند: انسجام مفهومی معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن می‌پردازد و آن را به عنوان یک متن از غیر متن متمایز می‌سازد. هلیدی معتقد است که انسجام به صورت بالقوه در عناصر نظام زبانی هم چون ارجاع، حذف، جانشینی و جز آن‌ها که درون زبان قرار دارند، نهفته است. اما عینیت یافتن آن در هر مورد به انتخاب گزینه‌هایی از این عناصر وابسته نیست، بلکه به وجود عناصری دیگر وابسته است که به شکل «گره» و آنگاه ارتباط این عناصر با یکدیگر به صورت «زنجیره» منجر می‌شود.^۳

1. An introduction to functional Grammar, 534

۲. کارایی نظریه هلیدی و حسن در ترسیم انسجام متنی سوره مزمل، ۱۴

۳. زبان، بافت و متن، ۳۸

بر اساس مبانی نظری هلیدی و حسن عوامل انسجام متن ازین قرار می‌باشد:

الف) نظام واژی - دستوری که شامل تکرار، هم‌آیی، ارجاع، جایگزینی و حذف است که به عملکرد ساختار دستوری زبان مربوط می‌شود. نحوه ارتباط نظام معنایی با نظام واژی - دستوری به این صورت است که هر کدام ازین نقش‌ها به عنوان یک سطح کلان برای بخشی خاص از نظام واژی - دستوری به شمار می‌رود.

ب) نظام پیوندی که همان حروف ربط است. در این فرایند از چگونگی اشیاء و پدیده‌ها و نیز از ارتباط بین آنها سخن گفته می‌شود. برای مثال نسبت دادن ویژگی یا داشتن حالت به کسی یا چیزی با فرایند ربطی بیان می‌شود. این‌گونه فرایندها اغلب با افعال مانند بودن، به نظر رسیدن، شدن و یا داشتن همراه هستند^۱

۲ - ۲. عوامل انسجام متنی در دعای صباح

انسجام یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود میان عناصر اشاره و شناسایی متن از غیر متن را میسر می‌سازد^۲. انسجام زمانی برقرار می‌شود که تعبیر و تفسیر عناصری از متن به تعبیر و تفسیر دیگر عناصر متن وابسته باشد. یعنی یک عنصر عنصر دیگر را پیش فرض خود قرار دهد و بدون مراجعه به آن فهمیده نشود^۳ این نظریه در زمینه مطالعات متن‌شناسی، عنصر انسجام را به عنوان مهم‌ترین عنصر شکل‌گیری متن معرفی می‌کند و به بررسی عوامل انسجام در متن می‌پردازد. با توجه به تحقیق و بررسی هلیدی و حسن در ساختار متنی و ارتباط بین جمله‌ای می‌توان گفت که عناصر انسجام با سه عنوان دستوری، واژگانی و پیوندی ارائه می‌شود که به بیان و مقایسه عناصر انسجام متنی در دعای صباح می‌پردازیم.

دعای شریف صباح را نخستین بار در مفاتیح الجنان علی بن الحسین بن حسان بن الباکی القرشی الحلّی (۶۵۳) در «اختیار المصباح» روایت کرد^۴. این دعا در بردارنده مضامین ناب عارفانه‌ای است که قهرمان آن معبود هستی است. متکلم در قالب دعا به هدایت خلق پرداخته و از خلال شناساندن جوهره دین (خداوند متعال) و نشان دادن روش‌های

۱. همان، ۱۱۴-۱۱۲

2. Cohesion in English, 4

3. Cohesion in English, 10

۴. روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ج ۵، ۱۴

دست یابی به رضایت او، خواستاران رسیدن به معبود هستی را هدایت فرموده و به زیباترین شکل اسرار و رموز خداشناسی را بیان فرموده است. این دعا ضمن اینکه شرافت خاص روایی را داراست، کلید ابواب علم و حکمت و آداب را به خواننده زیباشناس تقدیم می‌کند. به همین جهت امام علیه السلام آن را مفتاح فتوح النجاح و رمز کنوز الفلاح نامیده است (نسخه خطی، رقم ۶۱۲۸/۱، ستون سمت چپ: ۳)

۲- ۱. انسجام واژگانی^۱

انسجام واژگانی شامل روابط بین عناصر واژگانی است.^۲ تنوعی از انسجام مبتنی بر رابطه‌ای است که واحدهای واژگانی زبان به نظر محتوای معنایشان با یکدیگر دارند.^۳ انسجام واژگانی با ذکر کلمات مشابه شکل می‌گیرد. محتوای هر گفتار و نوشتار این موضوع را تأمین می‌کند. برای مثال متکلمی که از شب و روز صحبت می‌کند، به ناچار از کلماتی مانند شب، شب مهتابی، روز، روز ابری، روز آفتابی و مانند آن‌ها استفاده می‌کند. ذکر این کلمات در نوشتار انسجامی را ایجاد می‌کند که خواننده را در محیط اطلاعاتی ویژه‌ای قرار می‌دهد. انسجام واژگانی در متن در دو سطح بررسی می‌شود:

الف: در سطح جمله یعنی کلمات با رابطه معنایی در یک عبارت بررسی می‌شود.

ب: در سطح متن: در این سطح واژگانی که بین جملات متفاوت در سرتاسر متن با هم رابطه معنایی دارند، بررسی می‌شوند. بررسی روابط واژگان در این سطح انسجام متنی را نشان می‌دهد. این انسجام به دو صورت تکرار و باهم آیی شکل می‌گیرد.

۲- ۲- ۱. تکرار

یکی از مهم‌ترین عوامل انسجام واژگانی تکرار است. در این عامل انسجام عناصری از جمله‌های قبلی متن در جمله‌های بعدی تکرار می‌شوند.^۴ تکرار به عوامل مختلفی تقسیم می‌شود^۵ که مهمترین تکرار همان تکرار کلمه است. در این زمینه مفهوم، جمله یا کلمه‌ای ویژه به صورت آگاهانه در متن تکرار می‌شود که این تکرار در بردارنده‌ی مسائل ایدئولوژیک

1. Lexical cohesion

2. Cohesion in English, 537

۳. زبان، بافت و متن، ص ۱۷۷

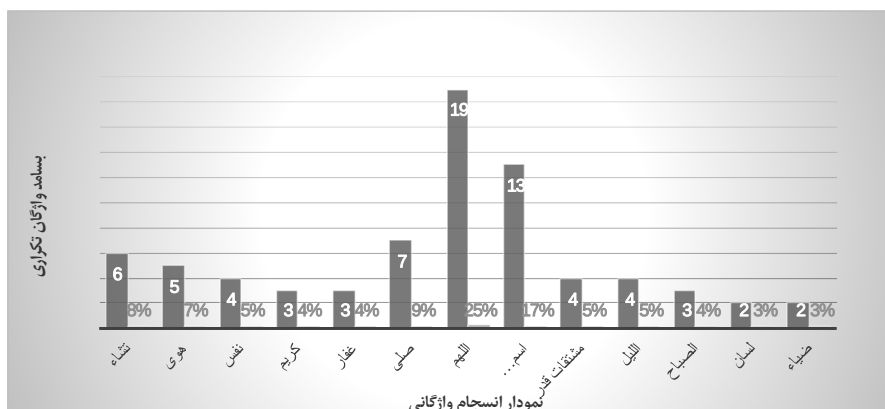
۴. رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی، ص ۱۰.

5. Cohesion in English, 278

است. تکرار سبب نمایش بیشتر موضوع متن می شود و مخاطب با دیدن کلمات تکراری، به منظور نویسنده و یا گوینده پی می برد. تکرار در دعای صباح به دو گونه است:

تکرار لفظی

تکرار لفظی یعنی یک واژه یا مشتقات آن در متن تکرار شود. شامل دو نوع است: الف: تکرار تام (یعنی یک واژه بدون اینکه تغییر کند، در متن تکرار شود)
ب: تکرار جزئی: (منظور تکرار مشتقات یک ریشه است). در دعای صباح بعضی از واژگان تکراری عیناً تکرار شده اند و بعضی کلمات تکراری از یک ریشه مشتق شده اند. در جدول زیر بسامد واژگان تکراری را بررسی می نماییم.



امام علی (ع) با تکرار واژه «تشاء» علت توسل و اصرار به درگاه الهی را چنین بیان می فرمایند که خداوند فاعل لما یشاء است و مؤید این فرمایش ایشان آیه قرآن است که می فرماید «إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» (حج، ۲۲). امام علی (ع) برای تأیید این سخن که هیچ امری خارج از اراده خداوند نیست، واژه تشاء را ۶ بار در متن دعا تکرار نموده اند.

واژگان تکراری در دعای صباح به صورت اسمی و فعلی به کار رفته است. این واژگان نقشی مهم در انسجام دعا دارند و باعث شکل گیری ارتباط خاصی بین فرازها گردیده است. تکرار شش باره واژه «تشاء» قدرت و عظمت خداوند را به تصویر می کشد. بسامد بالای تکرار، درک مفهوم دعا را برای خواننده میسر می کند. چرا که مخاطب در بسیاری از فرازها با واژگانی روبرو می شود که قبلاً آنها را دیده و با آنها آشنا است و به محض تکرار دوباره آنها فرازهای قبل

برایش تداعی می شود.

نیز در متن دعا ندا با بسامد بالایی ذکر شده است و غالباً با الفاظی چون (إلهی - اللهم - یا) که ۳۵ بار تکرار شده است و نشان دهنده شوق و اشتیاق متکلم نسبت به مخاطب خویش است. و شوقی که از تکرار آن حاصل می شود، بیانگر عمق رابطه خالصانه با معبودش می باشد. به فرازهایی از مناجات اشاره می کنیم:

۱. «اللَّهُمَّ يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ يُنْطِقُ تَبْلُجُهُ»

ترجمه: خدایا! ای کسی که بیرون کشید زبان صبحدم را به بیان تابناک آن

۲. «صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى الدَّلِيلِ إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ الْأَيْلِ

ترجمه: درود فرست بر آن راهنمای به سوی تو در شب بسیار تاریک

۳. «إِلَهِي أَتَرَانِي مَا أَتَيْتُكَ إِلَّا مِنْ حَيْثُ الْأَمَالِ»،

ترجمه: خدایا! تو به خوبی مرا می بینی که نزدت نیامدم جز از راه آرزوها

۴. «إِلَهِي قَلْبِي مَحْجُوبٌ»

ترجمه: خدایا دلم در پرده است.

همانطوری که در این فرازها می بینیم هریک از واژه های «اللهم» و «إلهی» به صورت جداگانه بارها در متن دعا تکرار شده اند. هدف از تکرار آنها تلذذی است که هنگام بر زبان آوردن این کلمه احساس می شود و این واژه ها هرچه بیشتر تکرار شود، لذت آن بیشتر است. متکلم با بهره گرفتن از صنعت ادبی ندا فرازهایش را با منادای آغاز می کند که مقتضای حال است و تکرار برای تقریر و ایضاح تنها مبدأ امید و رجاست. این تکرار لذت بخش و روح بخش موجبات انسجام متن را فراهم آورده است.

تکرار معنایی

کلماتی که در یک عبارت به کار می روند، می توانند از لحاظ مفهومی با یکدیگر در رابطه باشند و در واقع نوعی انسجام معنایی را تشکیل دهند. این ارتباط معنایی بین واژگان و تکرار آنها در متن سبب انسجام متن می شود. تکرار معنایی عبارت است از تکرار معنا با واژگان متفاوت و نه یکسان. این نوع تکرار انواع مختلفی دارد، از جمله: شمول معنایی و هم معنایی (ترادف)

۲-۲-۲. شمول معنایی:

شمول معنایی عبارت است از اینکه یک معنا به گونه‌ای باشد که چند معنای دیگر را در بطن خود داشته باشد. واژه‌هایی را فرا می‌گیرد که از نظر معنا و مفهوم، کلمه یا کلماتی را زیرمجموعه حوزه معنایی خود قرار می‌دهند. در دعای صباح بیش از ۱۰ مورد از شمول معنایی استفاده شده است که به نمونه‌ای از آن اشاره می‌کنیم.

۵. وَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأْتَ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ يَا آخِرَ الْآخِرِينَ

در این فراز واژه «أسماء» دارای شمول معنایی است. مراد از اسماء لفظ‌هایی که بر ذات مقدس حق تعالی دلالت می‌کند شامل واژگان (نور، قدّوس، أَوَّلُ الْأَوَّلِينَ و آخر الآخِرین) می‌شود که همگی از نام‌های مقدس خداوند می‌باشد. واژه اسماء دارای شمول می‌باشد و تمام نام‌های خداوند را دربر می‌گیرد.

۲-۲-۳. هم معنایی

از مترادف یا هم معنایی در ادعیه به صورت گسترده استفاده شده است. هم معنایی یعنی به کارگیری واژه‌هایی که دارای مفهوم یکسان هستند. می‌توان ادعا کرد که هم معنایی مطلق در بین کلمات وجود ندارد و هیچ دو واژه‌ای را نمی‌توان یافت که دارای معنای دقیقاً یکسان باشند. زیرا کلمات کاربرد یکسانی ندارند.

هلیدی هم معنایی را یکی از راه‌های ایجاد انسجام در متن می‌داند. این واژه‌ها با بار معنایی یکسانی که دارند، در کل متن به مانند یک واژه عمل می‌کنند. امام علی (ع) در این دعا بیش از ۱۵ بار واژه‌های متعدد را با معنای مشابه به کار می‌گیرد. به عنوان نمونه به فرازی که در آن واژه‌های هم معنا به کار رفته است، اشاره می‌کنیم.

۶. «يَا مَنْ أَرْقَدَنِي فِي مَهَادٍ أَمْنِهِ وَأَمَانِهِ وَأَيْقَظَنِي إِلَى مَا مَنَحَنِي بِهِ مِنْ مَنِّهِ وَإِحْسَانِهِ

ترجمه: ای کسی که مرا در گهواره آسایش و امنیت خود به خواب برد و برای استفاده از نعمت‌ها و بخشش‌های بی دریغش که به من ارزانی داشته بیدارم کرد

امام (ع) با ذکر این واژگان هم معنا این مطلب را در ذهن خواننده تداعی می‌نماید. که گردش جهان، با عظمت، با فضل و احسان او و در سایه امنیت اوست و اگر یک لحظه، فضل و احسانش را از جهان بگیرد، اوضاع دگرگون خواهد شد. این واژگان با تکرار مفید خود

باعث انسجام متن شده‌اند. نیز ایشان در فراز «فَاصْفَحِ اللَّهُمَّ عَمَّ كُنْتُ أَجْرَمْتُهُ مِنْ زَلَلِي وَ خَطَايِي» با بهره‌گیری از واژگان هم‌معنا برگناه‌کار بودن انسان تأکید می‌نماید و از خداوند طلب مغفرت می‌نماید.

مهم‌ترین نکته در به‌کارگیری عوامل هم‌معنا و شبه هم‌معنا این است که در واقع پیرو نقش انسجامی تکرار هستند، با این تفاوت که در حوزه هم‌معنایی با ذکر کلمات متفاوت، از خستگی ناشی از تکرار یک کلمه برای مفهومی خاص جلوگیری می‌شود و نیز نشان‌دهنده قدرت نویسنده از ذکر کلمات هم‌معنا و شبه هم‌معنا است این‌گونه تکرار از عوامل انسجام‌دهنده متن است.

می‌توان گفت که واژگان هم‌معنا در تناسب با محور کلی دعا همراه و هم‌سوست. امام علیه السلام با برجسته‌سازی این واژه‌ها از یک سوبه متن جذابیت بخشیده و از سویی دیگر باعث انسجام متن شده‌اند.

۲-۲-۴. باهم‌آیی

یکی دیگر از عوامل انسجام بخش در متن باهم‌آیی است. منظور از باهم‌آیی باهم ارتباط داشتن عوامل واژگانی مشخصی در چارچوب موضوع یک متن است که سبب ایجاد ارتباط بین جمله‌های آن متن می‌شود.^۱ باهم‌آیی به معنی در کنار هم قرار گرفتن کلماتی است که رابطه قوی میان‌شان، آنها را به هم نشینی باهم سوق می‌دهد. مانند رابطه‌ای که بین واژه شب و روز وجود دارد. گاهی این راه به اندازه‌ای است که صرف شنیدن یک کلمه، کلمه دیگر در ذهن تداعی می‌شود. روابط معنایی این واژه‌ها، که از عوامل انسجام و پیوستگی متن است به چند دسته تقسیم می‌شود:

الف: تضاد: تضاد معنایی همان ناسازگاری معنایی است. می‌توان گفت یکی از صور وحدت تضاد است، چرا که معانی و مفاهیم در دو صورت دارای تناسب و انسجام هستند. یکی زمانی که شباهت و نزدیکی دارند و دیگر هنگامی که متضادند. تضاد باعث ایجاد هماهنگی و موسیقی پنهان مؤثر در متن است. وجود تضاد در متن علاوه بر انسجام متن زیبایی‌های ویژه‌ای دارد که از جمله آنها می‌توان موارد زیر را برشمرد: انبساط خاطر، حضور یک پدیده در ذهن بنابر تضاد، متضادش را در ذهن تداعی و حاضر می‌کند. بدین معنا که

۱. رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی، ص ۱۰۸.

ذهن بین یک واژه و متضادش ارتباط برقرار می‌کند این آرایه ادبی به طور چشم‌گیری در دعای صباح به کار رفته است. تضاد در این دعا به دو صورت به کار رفته است. تضاد بین افعال:

۷. «يَا مَنْ قَرَّبَ مَنْ خَطَرَاتِ الظُّنُونِ وَ بَعْدَ عَنْ لَحَظَاتِ الْعُيُونِ»

ترجمه: ای کسی که نزدیک است به گمان‌هایی که درباره او بر دل خطور کند ولی دور است از چشم‌انداز دیگران

۸. «يَا مَنْ أَرْقَدَنِي فِي مَهَادٍ أَمْنِهِ وَأَمَانِهِ وَأَيَّقَنِي إِلَى مَا مَنَحَنِي بِهِ مِنْ مَنِّهِ وَإِحْسَانِهِ»

ترجمه: ای کسی که مرا در گهواره آسایش و امنیت خود به خواب برد و برای استفاده از نعمت‌ها و بخشش‌های بی‌دریغش که به من ارزانی داشته بیدارم کرد

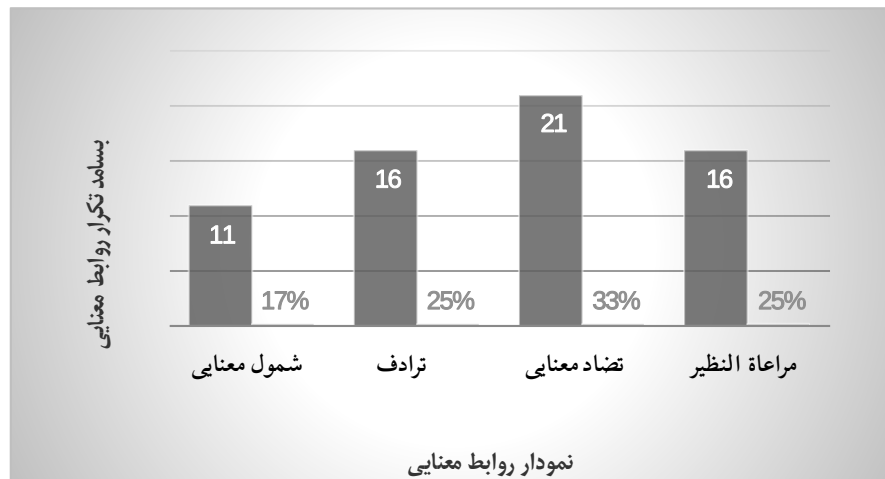
تضاد بین اسماء:

۹. «تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ تُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ»

ترجمه: شب را در روز فرو بری و روز را در شب درآوری. زنده را از مرده بیرون آوری و مرده از زنده بیرون آوری

بین فعل‌های «قرب و بعد» و «أرقدنی و أيقظنی» و اسم‌های «النهار و الليل» و «الحی و المیت» تضاد معنایی برقرار است.

تضاد معنایی بیش از ۲۰ بار در دعای صباح به کار رفته است که حضرت اعتقادات دینی خود را، درباره دعا و تمسک جستن به خدا با بهره‌گیری از معانی متضاد بیان نموده و با نشان دادن نقطه مقابل این معانی، بیان خویش را پراثرتر ساخته و باعث جذب بیشتر مخاطب گشته است. امام با به کارگیری این کلمات مقصود خود را دقیق‌تر و جامع‌تر بیان می‌کند که این امر باعث برقراری رابطه با خواننده و سبب القای آسان‌تر منظور خویش در ذهن مخاطب گشته است. یاری جستن از عنصر تضاد باعث انسجام و یکپارچگی متن دعا گشته است. در نمودار زیر بسامد تکرار روابط معنایی را مشاهده می‌کنیم



واژه‌های به‌کار رفته در دعا رابطه معنایی قوی داشته و متنی منسجم و هماهنگ را پدید آورده است. آنچه در این میان جلب توجه می‌نماید، این است که استفاده از واژگان دارای بار معنایی نزدیک به هم و در یک حوزه معنایی سبب ایجاد موسیقی خاصی شده که جذابیت متن را دوچندان نموده است و آن را در ذهن خواننده جای داده است. گره انسجامی بین این واژگان کلام امام علیه السلام را گیرا و جذاب و آسان نموده و انسجام متنی زیبایی را ایجاد کرده است.

۲-۲. انسجام دستوری^۱

انسجام دستوری به سه بخش ارجاع^۲، حذف^۳ و جایگزینی^۴ تقسیم می‌شود.

۲-۲-۱. ارجاع:

ارجاع با ایجاد پیوند بین عناصر متن انسجام ایجاد می‌کند.^۵ گاهی لازم است برای تفسیر برخی واژگان در متن، واژگان دیگر در همان متن تعبیر و تفسیر شود. برای فهم آنها باید به مراجع آنها مراجعه کرد. ارجاع در متن با ضمیر، اسم موصول و اسم اشاره صورت می‌گیرد و به

1. grammatical cohesion

2. Reference

3. Ellipsis

4. substitution

5. Halliday.m.a.k.matthiessen,christain, 2004, 535

دو صورت پیش مرجع و پس مرجع است. ارجاع از رایج ترین عوامل انسجام متنی در زبان عربی است و با برقراری رابطه بین کلمات و جملات مختلف نقشی مهم در انسجام متنی ایفا می کند. ارجاع به درون متن و برون متن صورت می گیرد^۱. لازم به ذکر است که ارجاع برون متنی تأثیری در انسجام بخشی متن ندارد.^۲ ارجاع در دعای صباح به شرح ذیل است:

ضمایر	مرجع ضمایر
ضمیر مستتر در ۲۶ فعل امرو مضارع: (صَلَّ، افْتَحْ، اَلْبَسْ، اَغْرَسْ، اَجْرْ، اَدْبْ، تَرَانِیْ، اِجْعَلْ، اِصْفَحْ، اَقْلَنِیْ، تَطْرُدْ، تَخِیْبْ، تَرْدْ، تَوْتِیْ، تَشَاءْ، تَنْزِعْ، تَعَزُّ، تَذَلُّ، تَوَلَّجْ، تَخْرِجْ، تَزُوقْ، اِسْتَجِبْ، حَقِّقْ، اِغْفِرْ، اِسْمَعْ، تَمَارَسْ)	الله
ضمیر مخاطب «ک» ۳۸ بار: اَلِیْکَ «۴ مرتبه»، اَسْبَابِکَ، عَظَمَتِکَ، هِیْبَتِکَ، مَنَکَ، اُنَاتِکَ، نَصْرِکَ، خِذْلَانِکَ، اُتِیْتُکَ، حَبَالِکَ، رَحْمَتِکَ «۴ مرتبه»، اِنِّکَ «۳ مرتبه»، جَنَابِکَ، حِیَاضِکَ «۲ مرتبه»، بَابِکَ، مَشِیَّتِکَ، عَفْوِکَ، لَطْفِکَ، رَأْفَتِکَ، یَدِکَ، حَمْدِکَ، قَدْرِکَ، یَخَافِکَ، یَهَابِکَ، قَدَرَتِکَ، کَرَمِکَ، فَضْلِکَ، مَوَاهِبِکَ،	الله
ضمیر «یا» متکلم ۵۶ بار: اَرْقُدْنِیْ، اَیْقِظْنِیْ، مَنَحْنِیْ، عَنِّیْ، اَلِیْسْنِیْ، جَنَانِیْ، اِلَهِیْ «۴ مرتبه»، مَتِّیْ، تَبْتَدِئْنِیْ، بِیْ، اَسْلَمْتْنِیْ، عَثَرَاتِیْ، خِذْلَنِیْ، وَکَلْنِیْ، اُتْرَانِیْ، بَاعِدْتْنِیْ، ذُنُوبِیْ «۳ مرتبه»، نَفْسِیْ «۳ مرتبه»، رَجَائِیْ «۳ مرتبه»، اَهْوَانِیْ «۲ مرتبه»، وِلَاتِیْ، زَلَلِیْ، خَطَائِیْ، اَقْلَنِیْ، رِدَائِیْ، سِیدِیْ، مَوْلایِ، مَنایِ، مَعْتَمِدِیْ، مَطْلُوبِیْ، مَنْقَلَبِیْ، مِثْوایِ، صَبَاحِیْ، مَسَائِیْ، نَدَائِیْ، دَعَائِیْ، اُمَلِیْ، حَاجَتِیْ، تَرَدُّنِیْ، قَلْبِیْ، عَقْلِیْ، هَوَانِیْ، طَاعَتِیْ، مَعْصِیَتِیْ، لِسَانِیْ، حِیَلِیْ	امام علی علیه السلام
ضمیر «ت» متکلم ۱۰ بار: اُنْزَلْتُ، اُتِیْتُکَ، عِلْقَتْ، قَرَعْتُ، هَرَبْتُ، عِلْقَتْ، اُجْرَمْتُ، کُنْتُ، دَرَأْتُ، وَکَلْتُ	امام علی علیه السلام
ضمیر «ت» مخاطب ۷ بار: اَلْفَتْ، فَلَکَتْ، اُنْزَتْ، اُنْهَرْتُ، اُنْزَلْتُ، جَعَلْتُ، اُبْتَدَأْتُ	الله
ضمیر «ه» غایب ۲۰ بار: ۱. تَبَلَّجْهْ، تَلْجَلْجَهْ، تَبَرَّجْهْ، تَأَجَّجْهْ، ذَاتَه «۲ مرتبه»، مَخْلُوقَاتَه، کِیْفِیَاتَه، اَمْنَه، اَمَانَه، مَنْنَه، اِحْسَانَه، یَدَه، سُلْطَانَه، خَلْقَه ۲. اَلَه «۳ مرتبه»	الله محمد ﷺ علی علیه السلام

1. Halliday.m.a.k.matthiessen,christain, 2004, 552

۲. عوامل انسجام متنی در سوره نوح، ص ۷۸-۷۹.

۳. أجزمته.	
ضمیر «ها» ۱۲ بار:	
۱. زحالیفها	الزمن
۲. هواها، لها «۳ بار»، ظنونها، مناها، جراتها، سیدها، مولاها، عقلتها،	النفس
۳. درآتها	ذنوبی
۴. وگلتها،	أهوائی
۵. کلها	ذنوبی
ضمیر مستتر «هو» ۲۶ بار	
۱. دل، سرح، اتقن، شعشع، دل، تنزه، جل، قرب، بعد، علم، ارقد، أيقظ، منح، كف، توخذ، قهر، دعی، صلی	الله
۲. خذل	نصر
۳. وكل	خذلان
۴. قصد	مسترشدا
۵. ورد	ظمان
۶. يعرف يخاف، يعلم، يهاب	«من» موصوله
اسم موصول	مرجع
اسم موصول «من»	خداوند
۱. يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقِي تَبْلُجِهِ، يَا مَنْ قَرَّبَ مِنْ خَطَرَاتِ الظُّنُونِ، يَا مَنْ أَرْقَدَنِي فِي مَهَادِ أَمْنِهِ وَ أَمَانِهِ، يَا خَيْرَ مَنْ دَعَى لِكَشْفِ الضُّرِّ، فَيَا مَنْ تَوَخَّدَ بِالْعَزْوِ الْبَقَاءِ، يَا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِ	هرآن کس که خداوند بخواهد به او سلطنت دهد یا سلطنت را از او بگیرد و هرآن کس که بخواهد عزیزش دارد یا خوارش کند
۲. ثَوْتِي الْمُلْكِ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ،	هرآن کس که قدر را بداند و او را بشناسد
۳. مَنْ ذَا يَعْرِفُ قَدْرَكَ فَلَا يَخَافُكَ وَمَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا أَنْتَ فَلَا يَهَابُكَ	کسی او را به راه روشن هدایت کند (خداوند)، کسی از لغزش های انسان در گذرد (خداوند)
۴. فَمَنْ السَّالِكُ بِي إِلَيْكَ فِي وَاضِحِ الطَّرِيقِ، فَمَنْ الْمُقِيلُ عَثْرَاتِي مِنْ كِبْوَةِ الْهَوَى	
اسم موصول «ما»	مرجع
عَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ،	آنچه که بوده است
فَاصْفَحِ اللَّهُمَّ عَمَّ كُنْتُ أَجْزَمُهُ مِنْ زَلَلِي وَخَطَائِي،	آنچه که مرتکب شده ام

آنچه که بخواهی آنچه که هستی گمان‌های بی مورد	أَنْتَ قَادِرٌ عَلَى مَا تَشَاءُ، مَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا أَنْتَ فَلَا يَهَابُكَ، فَوَاهَا لَمَّا سَوَّلَتْ لَهَا ظُنُونُهَا
مرجع	اسم اشاره هده
فرازهای ماقبل	هَذِهِ أَرْمَةُ نَفْسِي عَقَلْتُهَا بِعَقَالِ مَشِيَّتِكَ وَهَذِهِ أَعْبَاءُ ذُنُوبِي ذَرَأَتْهَا بِعَفْوِكَ وَرَحْمَتِكَ وَهَذِهِ أَهْوَاؤِي الْمُضِلَّةُ

همان‌طوری که در جدول مشاهده می‌شود در این دعا تمامی ارجاعات با ضمائر بارز و مستتر و ارجاع از نوع ارجاع درون‌متنی است که بسامد بالایی برخوردار است و نقشی به سزا در انسجام متن ایفا می‌کند، چرا که بعضی از مرجع‌ها در فرازهای متعدد به آن‌ها ارجاع داده شده است و به دلیل مبهم بودن این اسم‌ها در زبان عربی برای فهمشان باید به مراجع آنها رجوع کرد که این امر سبب ایجاد ارتباط بین واژگان و فرازها شده است. تکرار ۳۸ باره ضمیر مخاطب و بسامد بالای آن بر محوری بودن این واژه در متن دعا دلالت دارد.

۲-۲-۲. حذف

حذف به معنای حذف یک یا چند کلمه از یک عبارت در قیاس با جملات پیشین است. گاهی بعضی کلمات، عبارات یک متن جهت اختصار و جلوگیری از تکرار حذف می‌گردند. وجود قرینه در حذف نیاز است تا از ابهام در متن پرهیز شود. حذف یک پیوند درون‌متنی است و در بیشتر موارد عنصر پیش‌انگاشته در متن قبلی وجود دارد.^۱ حذف به دو دلیل در ایجاد انسجام متن نقش دارد: الف) تکرار: عامل محذوف غالباً از عنصر ماده مذکور، مفهوم یا متعلقات آن مشتق شده است. پس اگر عامل محذوف در جمله ذکر گردد با نام عامل تکرار شناسایی می‌شود. ب) ارجاع: حذف عاملی از متن، اغلب با توجه به وجود قرینه در نوشته صورت می‌گیرد. بنابراین شناسایی واژه محذوف نیازمند شناسایی قرینه است و قرینه مرجعی برای واژه محذوف است، که ممکن است قبل یا بعد از محذوف باشد.^۲ جدول زیر حذف حروف، واژگان و جملات دعا را نشان می‌دهد:

1. Cohesion in English, 144

۲. عوامل انسجام در سوره زلزال بر اساس نظریه هلیلی و حسن.

عبارت استعمال شده در دعا	عبارت اصلی به همراه عبارت محذوف
وَسَرَّحَ قَطْعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِغَيَابِ تَلَجُّجِهِ	وَاللَّهِمَّ سَرَّحَ قَطْعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِغَيَابِ تَلَجُّجِهِ
وَأَتَقَنَّ صُنْعَ الْفَلَکِ الدَّوَّارِ فِي مَقَادِيرِ تَبَرُّجِهِ	وَاللَّهِمَّ يَا مَنْ أَتَقَنَّ صُنْعَ الْفَلَکِ الدَّوَّارِ فِي مَقَادِيرِ تَبَرُّجِهِ
وَشَعَشَعَ ضِيَاءَ الشَّمْسِ بِنُورِ تَأْجُجِهِ	وَاللَّهِمَّ يَا مَنْ شَعَشَعَ ضِيَاءَ الشَّمْسِ بِنُورِ تَأْجُجِهِ
وَتَنَزَّهَ عَنْ مُجَانِسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ	وَاللَّهِمَّ يَا مَنْ تَنَزَّهَ عَنْ مُجَانِسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ
وَتَنَزَّهَ عَنْ مُجَانِسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ	وَاللَّهِمَّ يَا مَنْ تَنَزَّهَ عَنْ مُجَانِسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ
وَبَعْدَ عَنْ لَحَظَاتِ الْغُيُوثِ	وَاللَّهِمَّ يَا مَنْ بَعْدَ عَنْ لَحَظَاتِ الْغُيُوثِ
وَعَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ	وَيَا مَنْ عَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ
وَالْتَّاصِعِ الْخَسْبِ فِي ذُرَّةِ الْكَاهِلِ الْأَعْبَلِ	وَصَلِّ اللَّهُمَّ وَالتَّاصِعِ الْخَسْبِ فِي ذُرَّةِ الْكَاهِلِ الْأَعْبَلِ
وَعَلَى إِلِهِ الْأَخْيَارِ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَبْرَارِ	وَصَلِّ اللَّهُمَّ وَعَلَى إِلِهِ الْأَخْيَارِ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَبْرَارِ
وَإِنْ أَسْلَمْتَنِي أَتَأْتِكَ لِقَائِدِ الْأَمَلِ وَالْمُنَى	وَإِنْ أَسْلَمْتَنِي أَتَأْتِكَ لِقَائِدِ الْأَمَلِ وَالْمُنَى
وَإِنْ خَذَلْنِي بِنَصْرِكَ عِنْدَ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ وَالشَّيْطَانِ	وَإِنْ خَذَلْنِي بِنَصْرِكَ عِنْدَ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ وَالشَّيْطَانِ
فَقَدْ وَكَلْنِي خِذْلَانِكَ إِلَى حَيْثُ النَّصَبِ وَالْجِرْمَانِ	فَقَدْ وَكَلْنِي خِذْلَانِكَ إِلَى حَيْثُ النَّصَبِ وَالْجِرْمَانِ
فَوَاهَا لَمَّا سَوَّلَتْ لَهَا ظُنُونُهَا وَمَنَاهَا	فَوَاهَا لَمَّا سَوَّلَتْ لَهَا ظُنُونُهَا وَمَنَاهَا
تَبَّأَ لَهَا لِحْرَانِهَا عَلَى سَيِّدِهَا وَمَوْلِيهَا	تَبَّأَ لَهَا لِحْرَانِهَا عَلَى سَيِّدِهَا وَمَوْلِيهَا
أَنْتَ غَايَةُ مَطْلُوبِي وَمُنَائِ	أَنْتَ غَايَةُ مَطْلُوبِي وَغَايَةُ مُنَائِ
فِي مُنْقَلَبِي وَمُنَوَائِ	فِي مُنْقَلَبِي وَفِي مُنَوَائِ
بَابِكَ مَفْتُوحٌ لِلطَّلَبِ وَالْوُغُولِ	بَابِكَ مَفْتُوحٌ لِلطَّلَبِ وَالْوُغُولِ
أَنْتَ غَايَةُ الْمَسْئُولِ وَنَهَايَةُ الْمَأْمُولِ	أَنْتَ غَايَةُ الْمَسْئُولِ وَأَنْتَ نَهَايَةُ الْمَأْمُولِ
هَذِهِ أَعْبَاءُ دُنُوبِي ذَرَأَتُهَا بِعَفْوِكَ وَرَحْمَتِكَ	هَذِهِ أَعْبَاءُ دُنُوبِي ذَرَأَتُهَا بِعَفْوِكَ وَرَحْمَتِكَ
هَذِهِ أَهْوَائِي الْمُضِلَّةُ إِلَى جَنَابِ لُطْفِكَ وَرَأْفَتِكَ	هَذِهِ أَهْوَائِي الْمُضِلَّةُ إِلَى جَنَابِ لُطْفِكَ وَرَأْفَتِكَ
فَيَا مَنْ تَوَخَّذَ بِالْعِزِّ يَا مَنْ تَوَخَّذَ بِالنِّقَاءِ	فَيَا مَنْ تَوَخَّذَ بِالْعِزِّ وَيَا مَنْ تَوَخَّذَ بِالنِّقَاءِ
وَقَهَرِ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ	وَقَهَرِ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ
وَحَقِّقْ بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَرَجَائِي	وَحَقِّقْ بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَرَجَائِي

حذف در دعای صباح متعدد و به اشکال مختلف به کار رفته است. این حذف به خاطر ذکر قرینه و با توجه به ساختار متن شکل گرفته است، بنابراین باعث ایجاد ابهام و سردرگمی در ذهن مخاطب نشده است و اختلالی در استمرار و تداوم معنی به وجود نیاورده است، چرا که جمله مذکور با ذکر قرینه به جمله محذوف اشاره می کند. حذف در دعای صباح با پرهیز از تکرار بعضی عبارات که قرینه دارند، سبب اختصار متن و مانع از اطناب آن شده است. هم چنین باعث پویا شدن ذهن مخاطب می گردد، زیرا خواننده باید به دنبال پیدا کردن

قرینه‌ای برای جمله محذوف باشد؛ بنابراین ناگزیر است که به جمله ماقبل رجوع کند، تا بتواند مفهوم را به طور کامل و جامع دریافت نماید. به عنوان مثال در فرازهای «یا من سرح قطع الليل المظلم بغياهب تلجلججه وأتقن صنع الفلك الدور في مقادير تبحرجه وشعشع ضياء الشمس بنور تأججه» عبارت «اللهم یا من»^۳ بار به خاطر وجود قرینه حذف شده است. خوانند زمانی که به واژه «سرح» می‌رسد، ناخودآگاه به قرینه «اللهم یا من» در ابتدای فرازها رجوع می‌کند و آن را در ذهن خود تداعی و تکرار می‌کند، که این ارجاع و تکرار قرینه سبب انسجام متن می‌شود. این ربط دادن عبارات و جملات به ماقبل خود نقش مهمی در به وجود آمدن انسجام متنی می‌شود.

۲ - ۲ - ۳. جایگزینی

جایگزینی یکی از منابع انسجام بخش در حوزه دستوری است.^۱ در جایگزینی یک عنصر زبانی جایگزین عنصر زبانی دیگر می‌شود؛ یعنی ممکن است یک کلمه یا جمله جایگزین یک کلمه، جمله یا بند دیگر در یک متن شود.^۲ در این عنصر انسجامی، معنای دو کلمه یکی است، اما لفظی که بر آن دلالت می‌نماید، تغییر یافته است. بنابراین عامل جایگزینی را می‌توان از انواع تکرار معنایی نیز برشمرد.^۳ تفاوت جایگزینی و ارجاع در این است که جایگزینی بیشتر ارتباط در سطح عبارت پردازی است ولی ارجاع ارتباط معنایی دارد.^۴ در فرازهای زیر عامل جایگزینی به کار رفته است:

۲۰. «یا مَنْ ذَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِهِ وَيَا مَنْ قَرَّبَ مِنْ خَطَرَاتِ الظُّنُونِ يَا مَنْ أَزَقَدَنِي فِي مِهَادِ أَمْنِهِ وَأَمَانِهِ»

ترجمه: ای که راهنمایی کرد بر خودش به خودش، ای کسی که نزدیک است به گمان‌هایی که درباره او بر دل خطور کند ولی دور است از چشم‌انداز دیگران و ای کسی که مرا در گهواره آسایش و امنیت خود به خواب برد.

در این فراز منادی «یا من» جانشین منادی «اللهم» شده است.

۲۱. «إِلَهِي هَذِهِ أَرْمَةُ نَفْسِي عَقَلْتُهَا بِعُقَالِ مَشِيَّتِكَ وَهَذِهِ اِعْبَاءُ ذُنُوبِي دَرَأْتُهَا بِعَفْوِكَ وَ

1. An introduction to functional Grammar, 535

۲. عوامل انسجام در سوره زلزال براساس نظریه هیلیدی و حسن

۳. عوامل انسجام متن در سوره نوح، ۷۸

4. Cohesion in English, 88

رَحْمَتُكَ وَهَذِهِ أَهْوَاؤِي الْمَضِلَّةُ وَكُلُّهَا أَلِي جَنَابٍ لُطْفِكَ وَرَأْفَتِكَ»

ترجمه: خدایا این مهارهای نفس من است که به پای بند مشیت تو آنها را بستم و این است بارهای سنگین گناهانم که به امید عفو و رحمت تو بر زمین نهادم و این است هوس های گمراه کننده ام که به آستان لطف و مهرت سپردم.

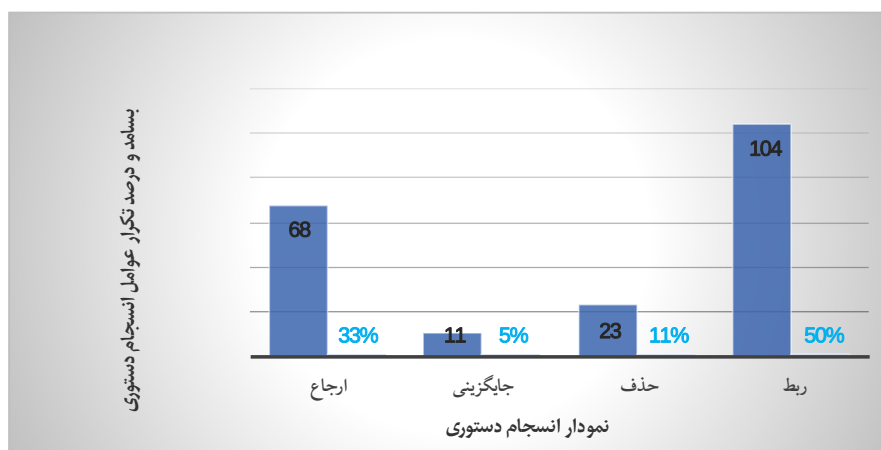
در این فراز واژه «هذه» جایگزین واژه فرازهای ماقبل شده است.

۲۲. «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» در این فراز ضمیر «أنت» جایگزین واژه «أنت» شده است.

۲۳. «صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ» ضمیر «ه» در اله جایگزین واژه «محمد» شده است.

۲۴. «یا کریم یا کریم یا کریم» و «یا غفار یا غفار یا غفار» واژه های «کریم» و «غفار» جایگزین واژه «اللهم» شده است.

در نمودار زیر بسامد انسجام دستوری در دعای صباح نمایان است.



انسجام پیوندی از ارتباط معنایی و منطقی بین عبارات یک متن حاصل می شود. در هرمتنی نوعی ارتباط مفهومی و منطقی وجود دارد که بین ساختار متن ارتباط برقرار می کند. انسجام ربطی بین عبارات برقرار می شود. در هر زبان، واژه ها و جملاتی وجود دارد که خواننده و شنونده را از بندی به بندی دیگر منتقل می کنند.^۲ انسجام پیوندی شامل چهار ارتباط اضافی^۳ سببی^۴، تقابلی^۵ و

1. Conjunctive cohesion

2. Halliday.m.a.k.matthiessen,christain, 2004, 534

3. Additive relation

4. causal

5. adversative

زمانی^۱ است.^۲

آنچه از انواع عوامل پیوندی در متن دعای صباح از بسامد بالایی برخوردار است، ارتباط اضافی می باشد که به شرح آنها و موارد ذکر شده در دعا اشاره می کنیم.

۲ - ۳ - ۱. ارتباط اضافی

ارتباط اضافی زمانی صورت می گیرد که جمله مطلبی را به محتوای جمله قبل اضافه کند. این جمله های اضافی می تواند جنبه توضیحی، تمثیلی یا مقایسه ای داشته باشد^۳ این نوع از ارتباط با دو حرف «واو و فاء عطف» صورت گرفته است. حرف واو ۹۱ بار و حرف فاء عطف ۱۳ بار در متن دعا تکرار شده است. بسامد بالای تکرار حروف عطف در متن دعا، انسجام متنی زیبایی را ایجاد کرده است. این حروف جمعا ۱۰۴ بار تکرار شده است که هر حرف عطف، دو واژه، دو عبارت و یا دو جمله را به هم مرتبط ساخته است. به نوعی بین ۲۰۸ واژه یا عبارت یا جمله ارتباط برقرار شده است.

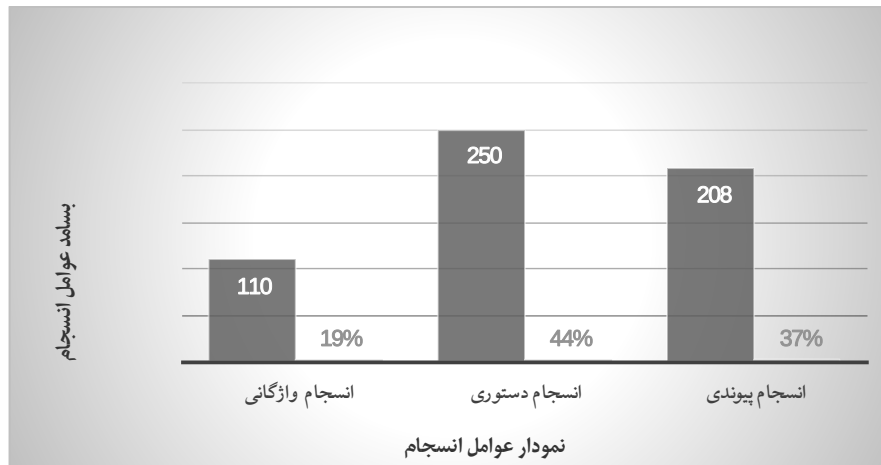
نتیجه گیری

بررسی و واکاوی انسجام «واژگانی»، «دستوری» و «پیوندی» در دعای صباح امام علی (ع) چنین استنباط می شود که این نظریه به نگارنده در کشف و شناسایی ابعاد انسجام، پیوستگی و هماهنگی انسجامی یاری داده است. این شگردهای زبانی در حوزه های واژگان و نحوی با حضور واژگان مکرر متنی منسجم به وجود آورده است. اهمیت عناصر واژگانی و دستوری عامل انسجام و هم بستگی در وحدت و یکپارچگی متن دعای صباح است. بر پایه این نظریه، تعداد کل نمونه های انسجام ۶۱۶ مورد است که رقم چشم گیری به نظر می رسد. در نمودار زیر بسامد تکرار عوامل انسجام نمایان است.

1. temporal

2. Halliday.m.a.k.matthiessen,christain, 200,545

۳. عوامل انسجام متنی در سوره نوح، ص ۱۵.



- از میان عناصر انسجام متن در دعای صباح تکرار لفظی، شمول معنایی، هم معنایی، مراعات النظیر و تضاد، ۰/۱۹، ارجاع با ضمیر، ارجاع با اسم اشاره، ارجاع با اسم موصول و جایگزینی اسم به جای اسم ۰/۴۴ و حروف ربط اضافی ۰/۳۷ به کار رفته است. بیشترین عناصر انسجامی در دعای صباح، به عنصر ارجاع اختصاص دارد که همان انسجام دستوری است.

- در دعای صباح، عنصر ارجاع از بسامد بالایی برخوردار است. همچنین ارتباط اضافی که از عناصر انسجام پیوندی است از بسامد بالایی برخوردار است. از انسجام موجود در عوامل واژگانی می توان گفت که عبارت یا واژه ای خاص به طور آگاهانه در متن تکرار شده که این تکرار در بردارنده ی مسائل ایدئولوژیک است. واژگان تکراری در دعای صباح به صورت اسمی و فعلی به کار رفته است. این واژگان نقشی مهم در انسجام دعا دارند و باعث شکل گیری ارتباط خاصی بین فرازهای این دعای شریف گردیده است.

- در متن دعا ندا با بسامد بالایی ذکر شده است و غالباً با الفاظی چون (إلهی - اللهم - یا) تکرار شده است و نشان دهنده شوق و اشتیاق متکلم نسبت به مخاطب خویش است.

- در این دعا واژگان هم معنا در تناسب با محور کلی دعا همراه و هم سوست. امام علی (ع) با برجسته سازی این واژه ها از یک سو به متن جذابیت بخشیده و از سویی دیگر باعث انسجام متن شده اند. همچنانکه حذف در دعای صباح از تکرار بعضی جملات که قرینه دارند، جلوگیری کرده است و این سبب ایجاز متن و مانع از اطناب آن شده است.

- بر اساس نمودارهای ترسیمی عناصر انسجام در دعای صباح می توان نتیجه گرفت که

انسجام و پیوستگی در این دعا از بسامد بالایی برخوردار است و واژگان و عبارات به وجود آورنده متن دعا ارتباط عمیقی باهم دارند و این امر باعث شده است که ساختار دعا مانند ساختاری باشد که تمامی اجزای آن باهم در ارتباط هستند. در این دعا آن چه از عناصر انسجام که از بسامد کمتری برخوردار است، عنصر شمول معنایی است.

منابع

- قرآن کریم

۱. «أثر التكرار في التماسك النصي نقاربة معجمية تطبيقية في ضوء مقالات د. خالد منيف» حلوه، نوال بنت إبراهيم، مجلة جامعة أم القرى لعلوم اللغات وآدابها، العدد الثامن، (۲۰۱۲).
۲. «بررسی عوامل انسجام متن در داستان حضرت موسی (ع) با رویکرد زبان شناسی نقش گرا»، مسبوق، مهدی و شهرام دلشاد فصلنامه پژوهش های ادبی قرآنی، سال چهارم، شماره اول، (۱۳۹۵).
۳. «تحلیل گفتمان دو سوره فلق و ناس بر اساس الگوی فرانکس متنی هلیدی»، سیدی، سید حسن و سمیه بیگ قلعه جوقی فصلنامه پژوهش های ادبی قرآنی، سال هفتم، شماره دوم، (۱۳۹۸).
۴. «درآمدی به اصول و روش ترجمه»، لطفی پور ساعدی، کاظم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ هفتم، (۱۳۸۵).
۵. روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، خوانساری، محمد باقر بن زین العابدین تهران: کتاب فروشی اسلامی، (۱۳۵۶).
۶. «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی»، آقاگل زاده، فردوس و مریم سادات غیاثیان، مجله زبان و زبان شناسی، دوره سوم، (۱۳۸۶).
۷. «زبان، بافت و متن»، (جنبه هایی از زبان در چشم اندازی اجتماعی - نشانه شناختی)، هلیدی، مایکل و رقیه حسن، ترجمه مجتبی منشی زاده و طاهره ایشانی، تهران: نشر علمی، (۱۳۹۳).
۸. «زبان، بافت و متن»، هلیدی، مایکل و رقیه حسن ترجمه محسن نوبخت، تهران: سیاهرود، (۱۳۹۳).

۹. «شرح دعای صباح امیر مؤمنان علی (علیه السلام)»، وفادار مرادی، محمد، گلستان قرآن، دوره ی جدید، شماره ۴۳، (۱۳۷۹).
۱۰. «علم لغة النص النظری والتطبیق»، محمد، عزة شبل، المجلد الثاني، القاهرة: مكتبة الآداب، (۲۰۰۹).
۱۱. عوامل انسجام در سوره زلزال بر اساس نظریه هلیدی و حسن، پاشازانوس، احمد و مریم نبی پر، پژوهش نامه معارف قرآن، دوره ۸، (۱۳۹۶).
۱۲. «عوامل انسجام متنی در سوره نوح، ولینی، یونس و دیگران، پژوهش های زبان شناختی قرآن، سال پنجم، شماره اول، (۱۳۹۵).
۱۳. «کارایی نظریه هلیدی و حسن در ترسیم انسجام متنی سوره مزمل»، ملا ابراهیمی، عزت و رضایی، زهرا مجله مطالعات متون اسلامی، سال پنجم، شماره اول، (۱۳۹۹).
۱۴. «فرهنگ بزرگ جامع نوین ترجمه المنجد»، سیاح، احمد تهران: چاپخانه منفرد، چاپ نوزدهم، (۱۳۷۷).
۱۵. «گفتمان و ترجمه»، صلح جو، علی، تهران: نشر مرکز، (۱۳۷۷).
۱۶. «مفاتیح نوین»، مکارم شیرازی، محسن و همکاران، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب، چاپ دوم، (۱۳۸۴).
۱۷. «نقد بر مبانی زیبایی شناسی و تأثیر آن در نقد عربی»، غریب، رز ترجمه نجمه رجائی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول، (۱۳۷۸).
18. Spoke and written language. Gb.Oup Halliday.M.A.K, (1989)
19. Cohesion in English, Halliday.M.A.K and Ruqaiya Hasan, london lonhman. (1976)
20. Cohesion in English, Halliday.M.A.K and ruqaiya Hsan, london longhman. (1976)
21. Linguistic Studies of Text and Discourse, Halliday, M. A. K.London: Continuum. (2002)
22. An intrudocion to functional Grammar. Halliday. M .a. k. matthiessen, christain (2004)

An Assessment of the Effectiveness of Halliday and Hasan's Theory of Cohesion in Analyzing the Textual Cohesion of Du‘ā’ al - Ṣabāḥ

Abstract

One of the topics in functional linguistics is the theory of textual cohesion, which regards cohesion and unity as the primary reasons for the meaningfulness and textuality of any text. This theory analyzes the factors that link the constituent elements of a text to one another and bring about its cohesion and continuity. The framework of this theory was proposed by Michael Halliday and Ruqaiya Hasan in 1976. They classified the elements of textual cohesion into three categories: lexical, grammatical, and conjunctive elements. Each of these elements is further divided into several subcategories, the presence of which within a text contributes to its cohesion and links its constituent components together. Employing a descriptive-analytical method, the present study aims to analyze the elements of textual cohesion in Du‘ā’ al - Ṣabāḥ attributed to Amīr al - Mu‘minīn ‘Alī (peace be upon him) and to elucidate the distinctive features of cohesion in this noble supplication. Accordingly, the study seeks to answer two questions: What are the factors of textual cohesion in Du‘ā’ al - Ṣabāḥ, and which of these cohesive factors occur with the highest frequency? The elements that generate textual cohesion in Du‘ā’ al - Ṣabāḥ are divided into three categories. The lexical factor in this supplication includes repetition, semantic inclusion, and collocation, each of which comprises several subcategories. The grammatical factor contributes to the textual cohesion of the supplication through reference, ellipsis, and substitution. Additionally, the conjunctive factor—which encompasses explicative, additive, and elaborative cohesion (including additive, causal, adversative, and temporal relations)—plays a significant role in the continuity and cohesion of the supplication. The findings of the study indicate that grammatical and conjunctive factors play a fundamental role in the continuity and cohesion of this supplication. Among these factors, grammatical-conjunctive elements and lexical

elements account for 81% and 19% of the text, respectively. The high frequency of grammatical and conjunctive cohesion—particularly additive relations—is evident throughout the supplication. Additive relations function like a chain, linking the passages of the supplication together in such a way that this element exerts the greatest influence on its textual cohesion.

Keywords: Du‘ā’ al - Ṣabāḥ; Cohesion Theory; Grammatical Cohesion; Conjunctive Cohesion.

Abstract

One of the topics of role - oriented linguistics is the theory of textual coherence. This theory connects the factors that make up the components of the text and cause its coherence and harmony. The model of this theory was presented by Michael Halliday and Roghieh Hassan in (١٩٧٤). They divided text cohesion factors into three categories. lexical factor, grammatical factor and linking factor. Each of these factors is divided into several categories whose presence in a text makes it coherent and its constituent parts are connected. In this article, using the descriptive - analytical method, the factors of textual coherence in Sabah prayer have been investigated. This research tries to answer these two questions, which are the factors of textual coherence in the sabah prayer? And which of the cohesion factors has a high frequency? The tools that create textual coherence in the sabah prayer are divided into three categories: lexical factor, grammatical factor and linking factor. The lexical factor in this prayer includes repetition, semantic inclusion, and conjunction, each of which includes several subcategories. The grammatical factor has been effective in the textual coherence of the prayer in three ways: reference, removal and replacement. A connecting factor that plays an additional role in the continuity and coherence of praye. Among these factors, linking factor, grammatical

factor and lexical factor have the highest frequency in prayer. And they have the most influence in making the sabah prayer coherent.